

سرکی در عمیق‌ترین استخر جهان

همزمان با افتتاح استخر غواصی با عمق ۶۰ متر در امارات از امکانات و جاذبه خیره‌کننده‌اش در زیر آب گفتیم که شبیه یک شهر غرق شده مترو که است



منبع: CNN.com

مهسا کنسولی | روزنامه نگار

افتتاح عمیق‌ترین استخر جهان که حداقل چهار برابر بزرگ‌تر از هر استخر غواصی دیگر در بین تمام کشورهاست، بهر کورداری یک ساله استخر عمیق لهستان پایان داد. آن استخر که سال گذشته افتتاح شد، ۴۵ متر عمق داشت و از نظر اندازه تقریباً نصف استخر دبی بود. Deep Dive Dubai (استخر غواصی عمیق دبی) با عمق ۶۰ متر (۱۹۶ فوت)، رکورد از Deepspot لهستان با عمق بیش از ۴۵ متر بود و اکنون در تبه اول عمیق‌ترین استخر جهان قرار گرفته است. در ادامه نکاتی درباره این استخر شگفت‌انگیز، امکاناتش و جاذبه‌های دیدنی‌اش مطرح خواهد شد.

📍 شهر غرق شده با استودیوی مجهز زیر آب



این استخر سرپوشیده در داخل سازه‌ای صدفی شکل به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع قرار گرفته است. هدف از ساخت این صدف، نشان دادن تاریخ امارات به عنوان یک کشور دارای مرواریدهای جذاب و خاص است. شایان ذکر است که چند سال پیش در یک جزیره در آب‌های ابوظبی، قدیمی‌ترین مروارید طبیعی جهان کشف شد.

استخر عمیق دبی، فقط به دلیل عمقش شهرت ندارد بلکه بزرگ‌ترین ویژگی آن که تمام بازدیدکنندگان را هیجان زده کرده است، بازدید از شهر گمشده در این استخر است. در این جاشما می‌توانید به یک شهر گمشده در زیر آب سفر کنید و دقیقاً مثل فیلم‌های هالیوودی با غواصی کردن دنبال گنج بگردید اما این همه ماجرا نیست. در این استخر یک استودیوی مجهز فیلم وجود دارد که لحظه لحظه حضورتان را برای شما ثبت می‌کند. پیشرفته‌ترین سیستم‌های نور و صدا در داخل استخر برای ثبت فیلم تعبیه شده‌اند. حدود ۵۶ دوربین برای اطمینان از امنیت غواصان در هر گوشه در اطراف استخر نصب و همچنین برای شرایط اضطراری پیشرفته‌ترین اتاق فوق فشار با ظرفیت ۱۲ نفر در نظر گرفته شده است. اگر شما غواصی بلد نیستید و دوست دارید در شهر گمشده بچرخید، اصلاً جای نگرانی نیست چون این استخر عمیق قبل از وارد شدن به آن دوره‌های غواصی را برای شما ارائه می‌دهد. غواصان همچنین می‌توانند پس از گشت و گذار بایکی از راهنماهای غواصی در محل، استخر و شهر زیر آب را به تنهایی کشف کنند.

📍 آلودگی زدایی هر ۶ ساعت یک بار

ویل اسمیت بازیگر مشهور هالیوودی هم با انتشار ویدئویی، تجربه گشت و گذار در این استخر منحصر به فرد را با دنبال کنندگان خود در اینستاگرام به اشتراک گذاشت. مسئولان این استخر درباره این مکان تفریحی گفته‌اند: «لذت کشف یک جاذبه خیره‌کننده زیر آب را که شبیه یک شهر غرق شده مترو که است در این جاتجربه کنید. برای گشت و گذار در این شهر گسترده زیر آب که پر از ماجراجویی و شگفتی است، چندین بار غواصی لازم است. در ضمن بعد از غواصی در این جا، دیگر نمی‌توانید به بلندترین آسمان خراش جهان بروید چرا که بعد از هر غواصی ۶ توصیه می‌شود تا چند روز از رفتن به ارتفاع بالاتر از ۳۰۰ متر (۱۰۰۰ پا) خودداری کنید. شایان ذکر است که دبی هم اکنون محل بلندترین آسمان خراش جهان و بزرگ‌ترین مرکز خرید در جهان هم است. ایمنی این محل علاوه بر دوربین‌ها، با گروه غواصان ناظر تکمیل خواهد شد. علاوه بر آن هر شش ساعت یک بار آب از پالایه‌های مخصوص عبور می‌کند و آلودگی زدایی خواهد شد.»

📍 قیمت بلیت این استخر، شاید ۲۰۰ دلار



این استخر با ۱۴ میلیون لیتر آب شیرین (حجم شش استخر شنای المپیک) پر شده و همان طور که گفته شد حداقل چهار برابر بزرگ‌تر از هر استخر غواصی دیگر در جهان است. دمای آب در این استخر در ۳۰ درجه سانتی‌گراد (۸۶) درجه فارنهایت) حفظ می‌شود که بهترین دما برای شنا کردن و غواصی است. در ضمن و به احتمال زیاد هزینه ورودی این استخر ۸۰۰ درهم (حدود ۲۰۰ دلار) تخمین زده شده است.

می‌خواستم ضامن ۲۰۰ زوج شوم اما...

گفت و گو با «هادی بهرامی»، معلم بازنشسته ساکن روستای «آبرومند» همدان که نذر کرده تا ضامن وام ۱۰۰ زوج جوان بشود و تا امروز برای ۹۶ زوج، ضامن شده است



الیه توانا | روزنامه نگار

پرونده

چند وقت پیش عکسی به دستم رسید از گفت و گوی کوتاه یک نشریه محلی استان همدان با معلم بازنشسته‌ای که نذر کرده بود ضامن وام ۱۰۰ زوج جوان شود. کنجکاو شدم که بدانم یک دبیر بازنشسته با اتکاپه کدام حساب بانکی پرو پیمان، چنین تصمیم پرریسکی گرفته است. به کمک همکاران خبرنگارم در استان همدان، آقای «هادی بهرامی» را پیدا کردم. آشنایی و هم‌کلامی با این مرد بلند نظر، فرصت غنیمتی است که شمارادر آن شریکی کنم. آقای بهرامی ۵۸ ساله، اهل روستای «آبرومند» از توابع بخش «بهار» در استان همدان، مردی است که ۲۵ سال از عمرش را به بچه‌های مقطع راهنمایی در شهر «فریانج» تاریخ درس داده، حدود ۱۵ سال مشغول گره‌کشایی از کار جوان‌های روستای خودش و روستاهای همجوار بوده و حالا هم سرگرم کشاورزی و مرغداری است. در پرونده امروز زندگی سلام با او گفت و گویی درباره دلایل گرفتن چنین تصمیمی، ریسکش، واکنش دیگران و... خواهیم داشت که در ادامه خواهید خواند.



در هیچ کدام از ضمانت‌هایم مشکلی پیش نیامد

هادی بهرامی در شروع این کار، بسیار جوان بوده است. برایم جالب است بدانم چطور ریسک ضمانت وام را به جان خریده است، جواب می‌دهد: «وقتی کار برای خدا باشد، خود خدا کمک می‌کند. الحمدلله در هیچ کدام از ضمانت‌هایم مشکلی پیش نیامد. همه جوان‌ها اهل دو، سه روستای همجوار ما بودند؛ مردم خوبی که از حق الناس و از خدا می‌ترسند. نگران نبودم کسی قسطش را نپردازد. به علاوه بیشتر کسانی را که دنبال ضامن بودند، می‌شناختم یا کسی از آشناها معرفشان می‌شد. به همین دلیل هم به فکر عواقب کار نبودم و هم شرایط خاصی برای وام‌دهنده‌ها نداشتم. همین شناخت کافی بود. البته از بعضی‌ها چک یا سفته می‌گرفتم ولی ۸۰ درصد کار بر اساس اعتماد بود.»

با حقوق ۲۰۰ هزار تومانی شروع به ضمانت وام کردم

عهد بسته بودم و نگران نبودم. البته بانک، گاهی اذیت می‌کرد. مثلاً می‌گفتند فلان مدرک را نیاوردی و فلان امضا را نگرفتی. گاهی برای یک وام، باید چندین بار می‌رفتم و می‌آمدیم ولی در کاری که با عشق و علاقه انجام شود، خستگی معنی ندارد. بازنشستگی معمولاً زمان استراحت است اما هادی بهرامی با در خانه بیکار نشستن میانه خوبی ندارد. او که حالا به کشاورزی و دامداری مشغول است،

می‌خواستم معجزه زندگی دیگران باشم

از آقای بهرامی می‌پرسم چطور شد که تصمیم گرفت ضامن وام زوج‌های جوان شود، می‌گوید: «جایی خوانده بودم اگر معجزه زندگی دیگران شوی، فرد دیگری هم معجزه زندگی تو خواهد بود و همین طور هم شد. از ۱۰ تا ۱۵ سال پیش که شروع کردم به این کار، با دعای مردم مشکلات خودم حل می‌شد. اول نیت ضمانت ۵۰ زوج بود، بعد تصمیم گرفتم تا ۱۰۰ نفر ادامه بدهم اما متأسفانه بعد از نود و دومین زوج، کار متوقف شد. اداره دیگر نامه کسر از حقوق نداد. گفتند اجازه نداشتی ضامن وام بیشتر از سه نفر بشوی. در این سال‌ها هم لطف خدا بود که جلوی کار را نگرفتند. اگر مانع نمی‌شدند تا ۲۰۰ زوج را ضمانت می‌کردم». البته او برای ضمانت، گاهی فقط فیش حقوقی می‌دهد یا چک.

چنین اقداماتی هر قدر هم سنجیده و فکر شده انجام شود، باز هم چند نفری از دوست و آشنا پیدا می‌شوند که در دسرهای احتمالی کار را گوشزد کنند. آقای بهرامی هم این خیرخواهی‌ها را تجربه کرده اما روی نیتش مصمم بوده است: «خیلی‌ها می‌گفتند ما ضامن یک نفر شدیم، قسط‌هایش را نداد و به در دسر افتادیم. می‌گفتند مگر بیکاری؟ برای خودت در دسر دست نکن ولی من با خدا

ضامن دختری شدم که ۲ سال

برای تهیه هزینه مانده بود

ممکن است بعضی‌ها پیش خودشان بگویند پس با این اوصاف، آقای بهرامی سرمایه‌دار است که ضامن وام مردم می‌شود. توضیح می‌دهد: «من یک معلم ساده‌ام. با حقوق ۲۰۰ هزار تومان و ۴۰۰ هزار تومان شروع کردم به ضمانت. ۳۰ سال پیش وام گرفتم و مرغداری راه‌انداختم، البته آن وقت‌ها مثل الان فعال نبود. بعد از بازنشستگی هم زمین خریدم و کشاورزی را شروع کردم». سال‌ها سر و کار داشتن با آدم‌های مختلف، پر از تجربیات و خاطرات جالب است. هادی بهرامی یکی از خاطرات دوست‌داشتنی‌اش را برایم تعریف می‌کند: «یک روز توی بانک بودم که شنیدم کسی داشت برای دوستش تعریف می‌کرد قصد داشته ضامن وام یکی از آشناهایش بشود ولی لحظه آخر ترسیده و ضمانتش را نکرده است. بهش گفتم شماره‌اشنایت را بده، من ضامنش می‌شوم. بنده خدا برای چیزیه دخترش، دو سال بود دنبال ضامن می‌گشت و کسی قبول نمی‌کرد. خیلی خوشحال شد.»

اعتماد باید به زندگی اجتماعی مان برگردد

حتماً تصدیق می‌کنید که اعتماد کردن این روزها کار خیلی سختی است و آقا معلم دل و جرئت زیادی دارد که دست به چنین کاری زده است. ایشان برایم توضیح می‌دهد که این شجاعت و مناعت طبع از کجا نشئت می‌گیرد: «بگذارید یک حکایت برای شما تعریف کنم. در زمان‌های قدیم، اسب سواری در راهی می‌رفته است که مردی را می‌بیند افتاده روی زمین. سوار، به مرد آب و غذا می‌دهد و به او می‌گوید تو خسته‌ای، سوار اسب شو و من پیاده می‌آیم تا به آبادی برسیم. مرد، روی اسب می‌نشیند و می‌تازد که فرار کند. سوار، صدایش می‌کند و می‌گوید اسب مال خودت، صبر کن کاری باتو دارم. وقتی به روستایت رسیدی، به مردم بگوئی یک نفر به من مرخم کرد و من اسبش را رد دادم. بگواسب را یک نفر به من هدیه داد و گرنه دیگر کسی به کسی رحم نمی‌کند. گذشت و جوانمردی می‌میرد. من برای این که اعتماد مردم به یکدیگر برگردد، این مصاحبه را قبول کردم بعد بایکی از شاگردهایم که حالا روحانی شده، صحبت می‌کردم. از او پرسیدم حرف زدنی راجع به کارم، رانیست؟ گفت نه، باعث تشویق دیگران می‌شود». هادی بهرامی از آن معلم‌هایی است که بیرون از

مدرسه هم می‌شود چیزی از آن‌ها موخت. از او می‌پرسم مهم‌ترین درسی که به دانش‌آموزهایش داده، چه بوده است و او می‌گوید: «مردانگی، صداقت، پاکی و این که در هر کاری با وجدان باشی. من ۲۵ سال در یک مدرسه درس دادم. محصل‌هایم از مدرسه می‌رفتند، از دواج می‌کردند، بچه‌دار می‌شدند و من همان‌جا بودم تا به بچه‌های آن‌ها درس بدهم. می‌دیدم که شاگردهایم، اگر نه همه‌شان، لااقل ۹۰ درصدشان خوب‌بار آمده‌اند. خوب‌نه به این معنی که مثلاً تاجر باشند؛ یعنی اگر یکی‌شان راننده شده، راننده سالمی است. اگر کشاورز شده‌اند، کارگری می‌کنند و کارمندند، در کارشان خوب و سالم‌اند. من این شعرا همیشه می‌خوانم: بترس از خدا مردم‌آزاری نکن / ره رستگاری همین است و بس.»

نکته: در زمان انجام شدن این گفت و گو آقای هادی بهرامی به ما گفت که موفق به ضمانت وام ۹۲ زوج شده و پس از آن کار متوقف شده است. امروز در تنظیم مجدد این مطلب به مصاحبه‌ای از ایشان در خبرگزاری «فارس» برخوردیم که گفته است ۹۶ زوج را تا الان ضمانت کرده است.